

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالعات قرآنی و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال اول - شماره اول / پاییز و زمستان ۱۳۸۶

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: غلامرضا مصباحی مقدم

سر دبیر: کامران ایزدی مبارکه

مدیر داخلی: عباس مصلائی پور یزدی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
کامران ایزدی مبارکه دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فرودسی
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر حسین هوشنگی

طراح جلد: رسول خسرویگی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل ماخذ رواست.

۱۷۲ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

توزیع و مشترکین: مرکز تحقیقات، اداره نشریات

داخلی ۲۵۷، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

e-mail: rcn@isu.ac.ir

http://rcu.isu.ac.ir

روش تفسیری قاضی بیضاوی و جایگاه تفسیر وی

دکتر عباس مصالایی پور یزدی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۰۶/۲۷

چکیده

تفسیر بیضاوی یا انوار التنزیل و اسرار التأویل، یکی از تفاسیر مختصر، مفید و بسیار مشهور قرن هشتم ق. است. این تفسیر که به اتفاق آرای اهل نظر، در میان تفاسیر کم حجم قرآن کریم از همه محققانه تر است، سال های سال به عنوان یکی از کتاب های درسی مجامع دینی مطرح بوده است. گزیده گویی، اجتناب از بحث های استطرادی، دقت فراوان در تبیین مباحث، از ویژگی های این تفسیر است. در طبقه بندی تفاسیر اهل سنت، تفسیر بیضاوی از جمله تفاسیر به رأی ممدوح به شمار می آید. این کتاب در حقیقت، در برابر کشف زمخشری نوشته شد و گرایش به فکر اشعری از نکات بارز این تفسیر است. مطالب تفسیر بیشتر از کشف زمخشری و تفسیر کبیر فخر رازی است. بررسی روش تفسیری قاضی بیضاوی و جایگاه تفسیر وی در میان تفاسیر قرآن کریم، از مهم ترین اهداف این مقاله است.

واژگان کلیدی

تفسیر بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، روش های تفسیری، تفسیر قرآن

طرح مسئله

قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی، از علما، متکلمان، مفسران و فقهای برجسته ایران در عصر مغول است. نام او به‌واقع، منسوب به ناحیه بیضای فارس است. چندی در شیراز و به قولی چندی در تبریز، منصب قضا داشت. شهرتش به سبب دانش گسترده او و آثار فراوانی است که در حوزه‌های تفسیر قرآن، فقه، اصول فقه، کلام و نحو نوشت. آثار او عمدتاً تصنیف نیست بلکه بر پایه آثار سایر علما شکل گرفت. همچنین، او در پرداختن به موضوعات مورد توجه خود به‌صورتی خلاصه و موجز، زبانزد است (سبکی، بی تا، ج ۸، ص ۱۵۸؛ Robson, 1986, v.1, p.1129).

مشهورترین اثر او، تفسیر بیضاوی یا *انوار التنزیل و اسرار التأویل* است که پس از تفسیر کشاف، به هیچ‌یک از تفاسیر مانند آن توجه نشده است. از دیگر آثار او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: *طوالع الأنوار* در علم کلام، *منهاج الوصول* در علم اصول، *الغایة القصوی* در فقه، *شرح المصابیح بغوی* در حدیث، *شرح کافیة ابن حاجب* در نحو، و *نظام التواریخ* در تاریخ که به زبان فارسی تصنیف کرد که از آغاز جهان تا غلبه مغول است (سبکی، بی تا، ج ۸، ص ۱۵۸؛ داوودی، بی تا، ج ۱، صص ۲۴۸-۲۴۹؛ دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۴، ج ۳، ص ۴۵۴).

در تاریخ وفات او اختلاف عجیبی است. بعضی منابع، تاریخ وفات او را ۶۸۵ق و بعضی ۶۹۱ق یاد کرده‌اند (ابن عماد حنبلی، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۳). سال‌های ۶۹۲، ۷۰۸ و ۷۱۶ق. نیز در برخی منابع گزارش شده است. او در تبریز درگذشت و در قبرستان چرنداب مدفون است (دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۴، ج ۳، ص ۴۵۴). این نوشتار که با هدف معرفی شیوه تفسیری قاضی بیضاوی و جایگاه تفسیر وی در میان تفاسیر قرآن کریم فراهم آمده، در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

۱. انگیزه نوشتن بیضاوی از این تفسیر چه بود؟
۲. چنین مطالب در این تفسیر چگونه است؟
۳. طرح مباحث ادبی، فقهی، کلامی، حدیثی و... در این تفسیر چگونه است؟

۱. روش تفسیری قاضی بیضاوی

۱-۱. انگیزه نوشتن تفسیر بیضاوی

قاضی بیضاوی در مقدمه کوتاهی که بر تفسیرش نوشت، دیدگاه خود را درباره علم تفسیر، دانش‌های مورد نیاز یک مفسر و سرانجام، انگیزه نوشتن تفسیرش اظهار داشت. وی می‌گوید:

«گرانمایه‌ترین و شریف‌ترین علوم، علم تفسیر است که رأس و رئیس همه علوم دینی، و اساس و مبنای قواعد شرع است. سزاوار نیست که کسی به آن دست یازد و به بحث در این مقام پردازد، مگر آنکه در اصول و فروع معارف دینی، ید طولی داشته باشد و در علوم مربوط به زبان عربی و فنون صناعات ادبی سرآمد باشد. و من از دیرباز در دل داشتم که در این فن کتابی بنگارم که چکیده زلال اندیشه بزرگان صحابه، تابعین و سلف صالح باشد؛ مشتمل بر نکات ارزنده و لطائف و ظرائفی که خود و دیگران از فاضلان متأخر و محققان بزرگ استنباط کرده‌ایم، و از چهره قرائات مربوط و منقول از امامان هشت‌گانه^۱ معروف و قرائت‌های شاذ و نادر منسوب به قرآء معتبر نقاب بگیرد. اما کمبود بضاعت، مرا از اقدام و نیل به این مقصد بازمی‌داشت تا در دلم افتاد که توفیق و خیر از خداوند بطلبم، آستین همت بالا بزنم و آرزوی دیرین را جامه عمل بپوشانم. و در خاطر آمد که نام آن را پس از اتمام، *انوار التنزیل و اسرار التأویل بگذارم*» (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۳-۴).

۲-۱. چگونگی چینش مطالب در تفسیر بیضاوی

روش بیضاوی در پرداختن به آیات و سوره‌ها چنین است که در آغاز هر سوره، ابتدا نام سوره، سپس مکی یا مدنی بودن آن سوره و نیز تعداد آیات هر سوره را ذکر می‌کند. وی گاه به بیان اختلاف مکی یا مدنی بودن آیاتی از یک سوره (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۶۶، ۱۶۶ و ۴۳۳؛ ج ۳، صص ۵ و ۱۳۲) یا بیان اختلاف تعداد آیات یک سوره می‌پردازد (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۶۶ و ۱۶۶؛ ج ۳، ص ۵).

بیضاوی فقط در پنج مورد، متعرض نام‌های دیگر سوره‌ها می‌شود. آن موارد عبارت‌اند از سوره‌های فاتحة الكتاب (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵)، توبه (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶۶)، یس (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۳۰)، محمد (ص) (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۴۵) و ملک (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۹۷).

وی آن‌گاه آیه به آیه تفسیر ادبی می‌کند و به‌نحو اختصار، به بیان اعراب، معانی و توضیح آیات می‌پردازد. به گفته حاجی خلیفه (۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۷)، بیضاوی آنچه را که مربوط به اعراب و معانی و بیان است، از کشاف زمخشری نقل می‌کند (رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۴ و قس. زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۷ و قس. زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۸ و قس. زمخشری، ج ۱، ص ۲۵۸).

میزان اثرپذیری بیضاوی از کشاف زمخشری، به‌گونه‌ای است که برخی هنگام معرفی آثار بیضاوی به جای عنوان تفسیر بیضاوی (= *انوار التنزیل و اسرار التأویل*) از مختصر الکشاف یاد می‌کنند (داوودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۸). نویسنده مدخل البیضاوی در دایرةالمعارف اسلام (EI)، *انوار التنزیل* را در حقیقت تهذیب و ویرایشی از کشاف زمخشری می‌داند (Robson, 1986, v.1, p.1129).

یکی دیگر از منابع مورد استفاده بیضاوی به‌ویژه در لغت، اشتقاق، بیان دقائق و ظرائف آیات قرآن کریم، تفسیر راغب اصفهانی است (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۷). صاحب کشف الظنون همچنین ذیل مدخل «تفسیر الراغب»، از آن به مآخذ *انوار التنزیل* بیضاوی یاد می‌کند (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۴۷).

۳-۱. قرائت در تفسیر بیضاوی

تفسیر بیضاوی همچنین دربردارنده قرائات قرآء ثمانیه (رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱؛ ج ۳، ص ۴۸) و نیز قرائت‌های شاذ و نادر منسوب به قرآء معتبر است (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴).

۴-۱. مباحث کلامی در تفسیر بیضاوی

قاضی بیضاوی متعرض مسائل کلامی هم می‌شود. از آنجا که دیدگاه بیضاوی، اشعری اعتدالی است، در بحث‌های کلامی و اعتقادی، متأثر از تفسیر کبیر (= مفاتیح الغیب) فخر رازی است (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۷).

برای نمونه، بیضاوی آیه «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ...» (اعراف: ۱۴۳) (و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم. فرمود: هرگز مرا نخواهی دید...) را دلیلی بر جواز رؤیت ذات باری تعالی می‌داند. استدلال‌هایی که او ارائه می‌دهد، برگرفته از تفسیر کبیر فخر رازی است (رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۱۱۰-۱۱۱ و قس. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، صص ۳۵۴ به بعد).

بیضاوی مباحث اعتزالی تفسیر کشاف را یا حذف، یا به کوتاهی طرح و سپس رد می‌کند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۷). البته در برخی موارد، آرای معتزلی را حذف نکرده (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۸) که شاید علت آن، عدم درک و تشخیص معنای واقعی این آرا باشد (Robson, 1986, v.1, p.1129).

بیضاوی به تبع فخر رازی، خرده‌گیری‌هایی به شیعه دارد. وی استدلال شیعه را بر امامت امیرالمؤمنین علی(ع) با بهره‌گیری از آیه ۵۵ سوره مائده، امری مبتنی بر زعم و گمان می‌داند (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۳۹). نیز اینکه شیعه، «اهل البیت» را در آیه ۳۳ سوره احزاب، به امیرالمؤمنین علی(ع)، فاطمه(س) و دو فرزندشان(ع) اختصاص داده و بر عصمت آنان استدلال کرده است، احتجاجی ضعیف می‌داند. وی بر این باور است که این تخصیص، با سیاق آیات مناسبت ندارد (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۸۲). از دید بیضاوی، حدیث کساء بر این مطلب دلالت دارد که امیرالمؤمنین علی(ع)، فاطمه زهرا(س) و حسنین(ع)، از اهل بیت بوده‌اند؛ نه اینکه غیر آنان از اهل بیت نیستند (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۸۲).

۵-۱. مباحث فقهی در تفسیر بیضاوی

بیضاوی ذیل آیات الأحکام، متعرض برخی مسائل فقهی به صورت موجز نیز می‌شود. وی اغلب در صدد تأیید و ترویج مذهب فقهی خود، یعنی مذهب شافعی، است (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۸). برای نمونه، ذیل آیه «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...» (بقره: ۱۹۷) (حج در ماه‌های معینی است. پس هرکس در این [ماه]ها، حج را [بر خود] واجب گرداند، [بداند که] در اثنای حج، همبستری و گناه و جدال [روا] نیست...)، او «أشهر معلومات» را شوال، ذی‌القعدة و نه (۹) روز از ذی‌الحجه می‌داند (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۹ و قس. زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۲).

۶-۱. حدیث در تفسیر بیضاوی

بیضاوی به پیروی از زمخشری، در پایان هر سوره، احادیثی را در فضیلت و ثواب قرائت آن می‌آورد (رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۷ و قس. زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۶۰؛ رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۰۶ و قس. زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۹۹). ذهبی که این احادیث را موضوعه می‌داند و مدعی اتفاق اهل حدیث بر این مطلب است، تعجب و شگفتی خود را از این عمل بیضاوی اظهار می‌دارد و آن را با عنایت به مرتبت و جایگاه بیضاوی، شایسته عالمی همچون بیضاوی نمی‌داند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۸). وی توجیه و عذرخواهی برخی همچون حاجی خلیفه (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۸) از بیضاوی را، ضعیف و غیرکافی می‌داند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۸). تفسیر بیضاوی، از ذکر اسرائیلیات خالی نیست. اگرچه ذهبی تعداد روایات اسرائیلی موجود در تفسیر بیضاوی را بسیار کم می‌داند و آوردن الفاظی همچون «روی» یا «قیل» را در ابتدای اسرائیلیات (رک. بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۷)، بیانگر ضعیف دانستن این روایات توسط بیضاوی می‌داند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۹)، ولی باین‌همه، گاه آوردن اسرائیلیات بدون الفاظ پیش‌گفته در *انوار التنزیل* مشهود است (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۳۰۸-۳۰۹).

۲. جایگاه تفسیر بیضاوی

۱-۲. جایگاه تفسیر بیضاوی در میان اهل تسنن

تفسیر بیضاوی به جهت جمع میان زیبایی تعبیر و قوت بیان (معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳۰)، پس از تألیف و از اوان انتشارش، مورد توجه دانشمندان و حوزه‌های علوم اسلامی قرار گرفت و به تدریس، شرح و حاشیه بر آن همت گماشتند (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۸؛ ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۰۳). این تفسیر علاوه بر آنکه در شرق اسلامی از کتاب‌های درسی پرمراجعه حوزه‌های علمیه بود، در غرب و جهان شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی نیز مورد توجه و مرجع اسلام‌شناسان است (خرمشاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۱۵).

حاجی خلیفه در کشف الظنون در مقاله مفصلی که درباره انوار التنزیل دارد، حواشی کامل و جامع بر آن را زیاد دانست و از آن میان، به معرفی پانزده حاشیه کامل پرداخت (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، صص ۱۸۸-۱۹۰). وی حواشی و تعلیقات غیرکامل بر تفسیر بیضاوی را بسیار زیاد می‌داند و از آن میان، ۲۷ حاشیه و تعلیق را برمی‌شمارد (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، صص ۱۹۰-۱۹۳). آقابزرگ تهرانی هم حواشی و تعلیقات نوشته‌شده توسط دانشمندان امامیه بر تفسیر بیضاوی را زیاد دانسته و به معرفی ۲۳ حاشیه و تعلیق بر آن پرداخته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶، صص ۴۱-۴۴).

از دید حاجی خلیفه، پرفایده‌ترین و سودمندترین حاشیه کامل بر تفسیر بیضاوی، حاشیه محیی‌الدین محمد بن مصطفی قوجوی معروف به شیخ‌زاده (د. ۹۵۱ق) است (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸۸). این حاشیه، از شروح مفصل ادبی و بیانی تفسیر بیضاوی است، که برای طلاب و محصلان علوم قرآنی نوشته شد (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳). ذهبی، مشهورترین و سودمندترین حواشی بر تفسیر بیضاوی را حاشیه قاضی‌زاده، حاشیه شهاب خفاجی (= شهاب‌الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی (د. ۱۰۶۹ق) معروف به عنایة القاضی و کفایة الراضی) و حاشیه قونوی می‌داند (ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۰۳).

از دید حاجی خلیفه، بهترین تعلیقات غیرکامل که تنها تا آیه «سِقُولِ السَّفَهَاءِ...» (بقره: ۱۴۲) نوشته شد، حاشیه محمد بن فرامرز (د. ۸۸۵ق)، مشهور به ملاخسرو، است

(حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۹۰). آقابزرگ تهرانی نیز یکی از بهترین حواشی غیرکامل بر تفسیر بیضاوی را، حاشیه شیخ بهائی (د. ۱۰۳۱ق) می‌داند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۴).

تفسیر بیضاوی، توسط برخی خلاصه شد. حاجی خلیفه از الاتحاف بتمییز ماتبع فیه البیضاوی صاحب الکشاف، به عنوان مختصر تفسیر بیضاوی توسط محمد بن محمد بن یوسف شامی یاد می‌کند (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۹۳). همچنین، وی از مختصر تفسیر البیضاوی متعلق به محمد بن عبدالرحمن شافعی قاهری (د. ۸۷۴ق)، معروف به امام الکاملیه، یاد می‌کند (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۹۴). شیخ عبدالرؤف مناوی احادیث تفسیر بیضاوی را مستندیابی کرد، و آن را الفتح السماوی بتخریج احادیث البیضاوی نام نهاد (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۹۳).

۲-۲. جایگاه تفسیر بیضاوی در میان امامیه

تفسیر بیضاوی در میان اهل فن و مفسران شیعی، مورد توجه قرار گرفت، و به نکات ادبی و تفسیری آن توجه شایان شد. ملا فتح‌الله کاشانی (د. ۹۸۸ق)، مفسر نامدار قرن ۱۰ق، در مقدمه زبدة التفاسیر که به زبان عربی نوشت، از انوار التنزیل به عنوان یکی از چهار منبع عمده خود یاد کرد (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۶). وی در منهج الصادقین که به زبان فارسی نوشت، به طور گسترده اقوال بیضاوی را مطرح کرد (رک. کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۲۸؛ ج ۲، ص ۲۱۵ و ج ۶، ص ۴۴۹). در قرن ۱۱ ق، بهاءالدین محمد شریف لاهیجی (د. ۱۰۸۸ق)، پدیدآورنده تفسیر شریف لاهیجی، متعرض اقوال بیضاوی شد (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۱۵ و ج ۲، ص ۴۰۱). گاه، وی با عباراتی همچون «قاضی ناصرالدین بیضاوی علیه ما علیه» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷۹۶) و «قاضی ناصرالدین بیضاوی علیه ما یتحقه» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۹۰)، جرح کرد. یکی از ویژگی‌های مهم تفسیر صافی، استفاده از نکات ادبی و بلاغی است. در این زمینه، ملا محسن فیض کاشانی (د. ۱۰۹۱ق) از متن عبارات تفسیر بیضاوی - بدون آنکه از بیضاوی نامی ببرد - استفاده می‌کند (رک. فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۱۵۳ و قس. بیضاوی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۴۳۷). گاه، فیض کاشانی بدون یک کلمه

اضافه، همان عبارات بیضاوی را در شرح کلمات و تفسیر آیه می‌آورد (معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳۰؛ ایازی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲). نگاهی گذرا به مجلدات بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۱۲۷؛ ج ۱۲، ص ۲۲ و ج ۵۶، صص ۲۴۶ و ۳۲۸)، بیانگر استفاده متعدد علامه مجلسی از تفسیر بیضاوی است. میرزا محمد مشهدی قمی (د. ۱۱۲۵ق)، از علمای امامی قرن ۱۲ق، بیشترین استفاده را در بحث‌های ادبی خود، از انوار التنزیل بیضاوی کرد (درگاهی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۸).

در میان معاصران، پدیدآورندگان تفسیر نمونه، یکی از منابع مورد استفاده خود را تفسیر بیضاوی ذکر می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶). صاحبان تفاسیر المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۸۴ و ج ۹، ص ۱۲۶)، پرتوی از قرآن (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۴۸، ۱۲۶ و ۱۵۹) و أحسن الحدیث (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ج ۲، ص ۳۹۱)، به نوعی متعرض اقوال تفسیری بیضاوی شدند.

از میان چاپ‌های قابل توجه این اثر، می‌توان به چاپ اچ. ا. فلاشر^۲ در دو جلد، از سوی انتشارات لایپزیک در سال‌های ۱۲۲۵ش / ۱۸۴۶م. تا ۱۲۲۷ش / ۱۸۴۸م، که ویناند فل آلمانی^۳ بعدها برای آن فهرست جامعی در نظر گرفت و نشر لایپزیک در ۱۲۵۷ش / ۱۸۷۸م منتشر کرد، اشاره نمود (سرکیس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۱۷). چاپ‌های دیگر این اثر، توسط بروکلیمان^۴ و سارکیس^۵ تهیه شد (Robson, 1986, v.1, p.1129).

نتیجه‌گیری

۱. انوار التنزیل و أسرار التأویل یا تفسیر بیضاوی، درحقیقت تهذیب کشف زمخشری است.
۲. تفسیر بیضاوی به جهت گزیده‌گویی و جمع میان زیبایی تعبیر و قوت بیان، از زمان انتشار مورد توجه دانشمندان و حوزه‌های علوم اسلامی قرار گرفت.
۳. بیضاوی متعرض مسائل کلامی هم می‌شود. دیدگاه بیضاوی، اشعری اعتدالی است.
۴. با آنکه تفسیر بیضاوی نقلی یا روایی نیست، ولی روایات اسرائیلیات دارد.

یادداشت‌ها

۱. بیضاوی، یعقوب بصری را بر قراء سبعة افزود (Robson, 1986, v.1, p.1129).

2. H.O. Fleischer
3. Winand Fell
4. Brockelmann
5. Sarkis

کتابنامه

قرآن مجید.

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۶۵)، *الذریعة الى تصانیف الشیعة*، تهران: بی‌نا.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد (بی‌تا)، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۸)، *شناخت نامه تفاسیر*، رشت: کتاب مبین، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *تفسیر البیضاوی*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۰۲ق)، *كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون*، بیروت: دار الفکر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲)، *قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)*، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ اول.
- داوودی، شمس‌الدین محمد بن علی (بی‌تا)، *طبقات المفسرین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- درگاهی، حسین (۱۳۶۶)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، (مقدمه)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۲۵۸-۱۳۳۴)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶/۱۹۷۶)، *التفسیر و المفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۶۶/۱۹۴۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- سبکی، تاج‌الدین ابونصر عبدالوهاب بن علی (بی‌تا)، *طبقات الشافعیة الكبرى*، به کوشش عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد الطناحی، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- سرکیس، بیان (۱۴۱۰)، *معجم المطبوعات العربیة*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر راد، چاپ اول.

طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم.

فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (= مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۶)، الصافی، به کوشش سید محسن حسینی امینی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۴۲۳)، زیادة التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول.

همو (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷ / ۱۴۱۹)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

Robson, James (1986), "Al-Baydawi" in *Encyclopedia of Islam*, Leiden: E.J. Brill, Second Edition.